

ایبیه معماری و آلودگیهای محیط زیستی

• دکتر مهناز شایسته فر

شیراز
موسسه تحقیقاتی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی پژوهشی معماری



«کنبد و مناره هاه، مدرسه چهارباغ، اصفهان، صفویان»

طبیعت بستر زندگی ما انسانهاست و اگر از این محیط زیست به خوبی استفاده نشود موجبات عقب ماندگی کشور در همه ابعاد آن، بخصوص فرهنگی و هنری، را به همراه خواهد داشت. یکی از پایه های توسعه فرهنگی، هنری پایدار در ملل جهان، آثار باستانی و میراث فرهنگی است و بر این اساس، سیاست اجرایی برنامه های زیربنایی جمهوری اسلامی ایران می بایستی در راستای شناخت، حفاظت و توسعه فعالیت های هنری به ویژه آثار باستانی باشد.

ایران به دلیل آثار فرهنگی موجود اعم از ابنیه تاریخی ارزشمند و شخصیت های نام آور ادبی، علمی و مذهبی دیرین خود سهم محسوس و مهمی را دارا است و باید ارزش تاریخی و فرهنگی خود را با شکل شایسته ای به جهانیان بشناساند و از این طریق، رونقی در صنعت گردشگری کشور ایجاد کند. به همین مبنا، احیاء بافت قدیم شهرها در زمره کارهای مهمی است که دولت با جدیت می بایستی دنبال کند. سازماندهی بافت تاریخی شهرها محل بسیار نیرومندی برای اتصال افراد

طبیعت بستر زندگی ما انسانهاست و اگر از این محیط زیست به خوبی و با برنامه استفاده نشود موجبات عقب ماندگی کشور در همه ابعاد آن بخصوص فرهنگی و هنری خواهد شد. یکی از پایه های توسعه فرهنگی و هنری پایدار در ملل جهان، آثار باستانی و میراث فرهنگی است و بر این اساس، سیاست اجرایی برنامه های زیربنایی جمهوری اسلامی ایران، می بایستی در راستای شناخت، حفاظت و توسعه فعالیت های هنری باشد. تاه غیر آلودگیهای محیطی بر این ابنیه و اماکن مقدس و باستانی از آنجایی مشخص می شود که هر روز شاهد فرسایش تدریجی تخریب این ابنیه ها هستیم. وجود آلاینده ها در جو زمین بر اساس شواهد به دست آمده طی ۸ تا ۱۰ سال آینده روند صعودی خواهد داشت و وجود خاک آلوده، آلاینده ها را دوباره به زمین برمی گردانند. این آلاینده ها در دمای تابستانی تغییر می شوند و به صورت بخار یا توسط فشار به مناطق سرد و مرتفع فشرده و متراکم شده و طی زمان سبب تخریب می شوند. بناهای تاریخی و باستانی معمولاً در زمان اولیه ساخت در موقعیتی مناسب قرار داشته و بنا شده اند و بنا به عملکرد نوع بنا از قبیل مدرسه، مسجد، حرم، بازار، کاروانسرا، مناظری از قبیل منازل مسکونی، باها، آپروها و رودها آنها را احاطه کرده بودند که به بنای باستانی و تاریخی جلوه نمود و شکوه خاصی هم می بخشیدند. ولی با گذشت زمان و عصرها از زمان اولیه ساخت و تغییر نوع زندگی انسانها و مسائلی از قبیل حوادث طبیعی و تاریخی (سیل، زلزله و جنگها) این بناها شکوه و جلال خود را از دست داده و گاهی اوقات به مخروبه ای تبدیل شده اند. از بین رفتن باغها و جنگلهای اطراف بنا، باعث فرسایش تدریجی زمین و بالطبع ساختن ابنیه ها را دستخوش تغییرات فیزیکی نموده اند. شهرهای تاریخی کرمان و ری از آن جمله شهرهایی هستند که از این نموده ها و حوادث طبیعی لطعات زیادی دیده اند و حمام، بازار و کاروانسرای این شهرها در حال فرسایش تدریجی است. گسترش کاروانسراها در جای جای ایران در طول تاریخ و نوع استفاده آن و مکان انتخابی برای احداث این نوع کاروانسراها که معمولاً در کنار باغها و جویبارها و مناظر طبیعی زیبا بوده است، رمز یافتن به راه و روش جلوگیری از تخریب و فرسایش مکان باستانی را بازگو می کند. بنابراین گسترش جنگلهای طبیعی و ایجاد مناظر زیبای طبیعی می تواند از فرسایش جلوگیری کرده و از آلودگی هوا بر آن مناطق بکاهد. در نتیجه تسلسلاً حافظ منابع هنری تاریخی ما باشند.

برای حفاظت از ابنیه باستانی امان، می بایست از مردم بومی محل در جهت رونق دادن دوباره و بازسازی مناطق باستانی یاری جست. جذب نیروی جوان و جلوگیری از مهاجرت آنها به شهرها، از جهتی باعث کاهش آلودگیهای شهری ناشی از جمعیت زیاد و بالطبع آلودگیهای محیط زیستی خواهد شد و از جهت دیگر دست جوانان را با احیای مکانهای تاریخی پیوند می دهد. ایجاد مناطق توریستی در همین هدف و در همین راستا عمل خواهد کرد که همان رونق بخشیدن به مناطق فراموش شده و از طرفی از جهت تاریخی و هنری مهم می باشد و ایجاد پایگاههای تحقیقی، ترمیمی، آموزشی و استفاده دانشجویان در پروژه های ترمیمی و تحقیقی در این راستا از مهمترین عوامل رشد طبیعی، تاریخی و هنری این مناطق می باشد.

در این مقاله اهمیت و تهدید تخریب ابنیه های تاریخی در اقصی نقاط کشور به بحث گذاشته شده است.



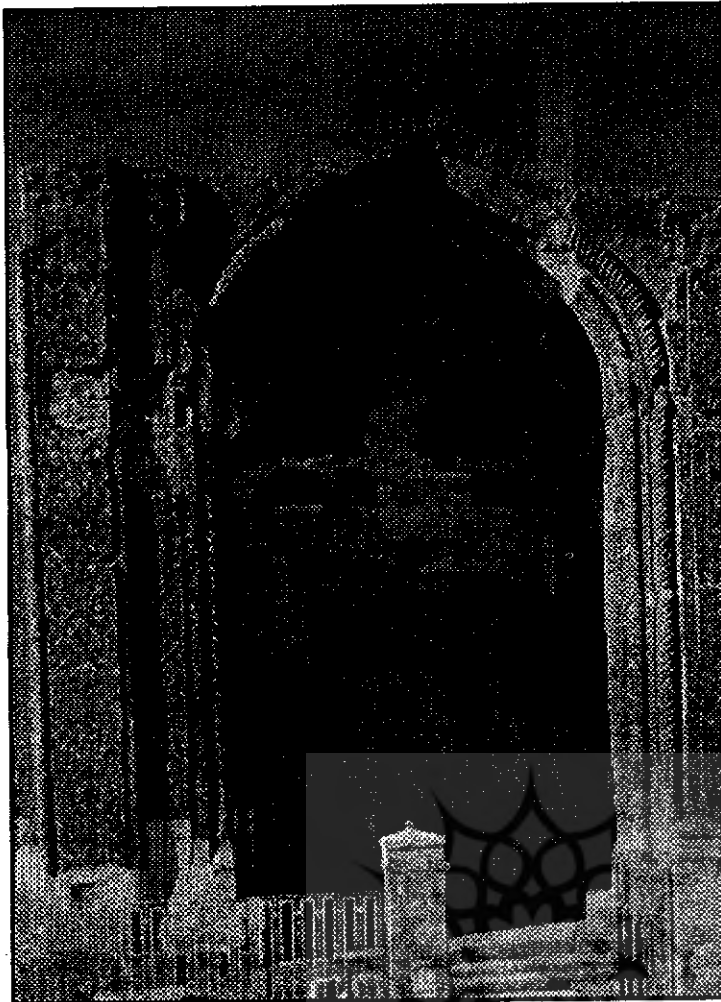
«مسجد شیطان» - مسجد شیخ فریدون، شیراز، قرن ششم

هنرمندان آن است. این زیباییها و تزئینات خارق العاده و ابهت و عظمت ابنیه و آثار باستانی آسان و ارزان بدست ما نرسیده است و در پدید آوردن اینچنین بناهای باشکوه، افراد هنرمند و خلاق زیادی در طی ماهها و سالها تلاش عمر خود را صرف کرده اند تا توانسته اند نهایت ظرافت و دقت را در بناهایی که هم اکنون ما آنها را آثار باستانی می نامیم بوجود آورند. انسانهای به تصویر کشیده شده در یک نقاشی قرن نهم که بوسیله هنرمند معروف بهزاد کار شده و مربوط به نسخه خطی نظامی مورخ ۸۸۹ موجود در موزه بریتانیا می باشد بر همین حقیقت صحنه می گذارد. این افراد که هر یک با تلاش و جدیت در حال فعالیت و ساخت سردر اصلی یک بنا هستند تجسمی از افراد عینی آن زمانها را به نمایش می گذارند که بدون وسایل و تجهیزات کامل و مدرن امروزی به ایجاد آنچنان شکوه و عظمت و زیبایی دست می یافتند که همگان را به تحسین و تمسک می داشتند و می دارند. در نقاشی دیگری که توسط نقاش بزرگ بهزاد کار شده و مربوط به نسخه خطی ظفرنامه شرف الدین علی یزدی است و دستور تهیه اش را سلطان حسین بایقراء آخرین حاکم تیموری در قرن نهم صادر کرد، بنای ساخت

به فرهنگ خود است که بر هویت اجتماعی شهروندان مبرثوت می زند و عاملی برای وحدت یک ملت بشمار می رود. به همین سبب، طرح بلند احواء بافت قدیم شهرها مانند میادین، بازارها، تیمچه ها، سراها، کاروانسراها، مدارس، مساجد، زیارتگاهها و باغ ها با استفاده از عناصر معماری سنتی از جمله موارد مهم است.

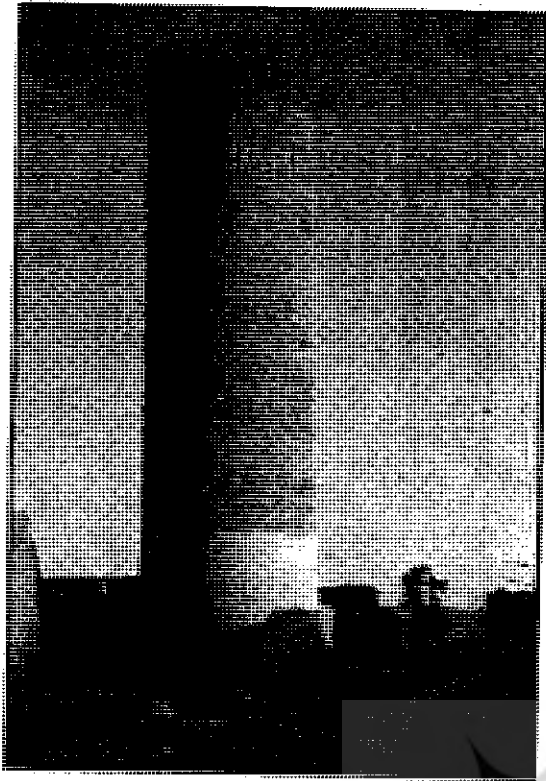
معماری این اماکن از حیث گچ بری، کاشیکاری و آینه کاری، جزء بهترین نمونه های معماری اسلامی و از لحاظ عظمت بنا نمونه های منحصر بفرد هستند. رواق ها، طاق نماها و آب بندیهای محرابی شکل و طره های کنار سردرها، همه و همه نشان عشق و علاقه انسان به معشوق حقیقی است. غرفه ها، گوشواره ها، مقرنس ها و رواق ها یادآور تصاویری است که از بهشت در ذهن نقش می بندد و رنگین کمان هفت رنگ کاشی ها در مایه های کبود، آبی، لاجورد، سبز و فیروزه ای مبین آسمان و در یک کلام، جلوه گاهی از هنر هنرمندان خوش ذوق ایرانی است که در سینه این نقشها و رنگها چشم را می نوازند و در زینت های درون و برون اماکن اعم از کتیبه های قرآنی با خطوط زیبای ثلث، نسخ و نستعلیق و یا تزئینات گیاهی، اسلیمی و هندسی، جلوه گر روح معنویت

«سردر ورودی اصلی»
مسجد کبود، تبریز،
قرن نهم.



و باد به مناطق سرد و مرتفع منتشر و متراکم شده و در طی زمان سبب تخریب می شوند. تاثیر منابع طبیعی در اطراف یک بنای تاریخی در ایهت و جلال یا کوچکی و بی ارزشی آن بر کسی پوشیده نیست. بناهای تاریخی و باستانی معمولاً در زمان اولیه ساخت در موقعیتی مناسب قرار داشته اند و بنا بر عملکرد نوع بنا، مدرسه، مسجد، حرم، بازار و کاروانسرا و زیارتگاهها، مناظری از قبیل منازل مسکونی، باغها، آبروها، رودها، مغازه ها، سراها، تیمچه ها آنها را احاطه می کردند که به بنای تاریخی جلوه و نمود خاصی می دادند اما با گذشت زمان و با دور شدن از زمان اولیه ساخت و تغییر نوع زندگی انسان ها و یا مسائلی از قبیل حوادث طبیعی (زلزله و سیل) و یا انسانی (جنگ ها و امثالهم)، بعضی از این بناها شکوه و جلال خود را از دست داده و در بعضی از موارد، مخروبه ای بیش از آنها باقی نمانده است. از بین رفتن باغ ها

مسجد جامع سمرقند به تصویر کشیده می شود. در اینجا رنج، درد و طاقت فرسای بودن کار برای برپایی یک بنا را به ترسیم کشیده می شود. حمل سنگهای سنگین و پهن یا دست و ساعتها کار طاقت فرسا توسط این افراد هنرمند به ما این فرصت را می دهند که از دیدن ساختمان ها و اماکن عظیم و باشکوه باقی مانده کنونی لذت ببریم و اگر قدرشناس باشیم در حفظ برپایی و سلامت آنها بکوشیم و در تخریب آنها سهیم نباشیم. تاثیر آلودگی های محیطی بر این ابنیه و اماکن مقدس و باستانی از آنجایی مشخص می شود که هر روز شاهد فرسایش تدریجی تخریب این ابنیه ها هستیم. وجود آلاینده ها در جو زمین، بر اساس شواهد به دست آمده طی ۸ تا ۱۰ سال آینده روند صعودی خواهد داشت. وجود خاک آلوده، آلاینده ها را به زمین برمی گردانند. این آلاینده ها در دمای بالا تبخیر می شوند و به صورت بخار یا توسط غبار



«نمای مناره و محیط اطراف»
مسجد جامع، ساوه، قرن پنجم.



نمای شش ضلعی قلعه، امامزاده جعفر،
اصفهان، تاریخ نامشخص.

الیه ضلع غربی در قشری از خزّه ها و پیچک ها پنهان شده و بر بام آن گیاهان روئیده است. نوع ساختار بنا و برجک ها و نورگیرها که بر محیط اشراف کامل دارند و دیوارهای بلند دفاعی از عظمت بنا سخن می گویند و موقعیت استراتژیکی قلعه را بازگو می کنند. (۱) استفاده از اصول پیشرفته علمی و دفاعی در ساخت این بنا و زحمت حمل مصالح ساختمانی از میان انبوه درختان جنگلی ما را بر آن می دارد که هرچه بیشتر آن را پاس بداریم و اجازه ندهیم طبیعت سیر فرسایشی خود را بر این بنای مهم و تاریخی اعمال نماید. خرابه های شهر قدیمی بم که در جنوب شرقی ایران قرار دارد از موارد دیگری است که می توان به آن اشاره کرد. این خرابه ها تقریباً گزارش کاملی از فضای شهر اسلامی تاریخی را بازگو می کند. با بررسی و کاوش بیشتر این شهر قدیمی و بدون استفاده کنونی، می توان اولاً از فرسایش طبیعی آن جلوگیری کرد. ثانیاً به روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تجاری، نوع زندگی و نوع بناها و اماکن آن پی برد و به مطالعه پرداخت. به عنوان مثال می توان در مجاور این شهر تاریخی، دانشگاهی کوچک بنا کرد و دانشجویان را گسیل

و جنگل های اطراف بنا، باعث فرسایش تدریجی زمین و بالطبع ساختمان ها و ابنیه ها را دستخوش تغییرات فیزیکی نموده است.

قرار گرفتن بعضی از بناها در ارتفاعات و مناطقی که دور از آبادانی و محلات انسان نشین است موجبات فرسوده شدن متوالی بنا بر اثر حوادث طبیعی همانند رطوبت را فراهم می آورد. به عنوان نمونه می توان به قلعه رودخان که در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی فومن در نزدیکی روستای قلعه رودخان قرار دارد اشاره کرد. رطوبت زیاد و وجود درختان تنومند که در دیوارها و برجک های قلعه ریشه دوانیده اند از مهمترین عوامل تخریب قلعه محسوب می شوند. بزرگترین دژ نظامی ایران در گرد و غبار زمان از یادها و خاطره ها محو شده است. حتی پیرترین اشخاص هم آنچنان که باید چیزی درباره آن از اجدادشان نشنیده اند. میرزا کوچک خان را می بینی که بعد از توطئه روس و انگلیس و نابود شدن نهضت جنگل به قلعه پناه آورده است. میرزا می دانست راه سخت و دشوار قلعه با حمایت درختان تنومند و سربازان سبز، مزدوران دولتی را از پای در خواهد آورد. شاه نشین یا ارک اصلی در منتهی



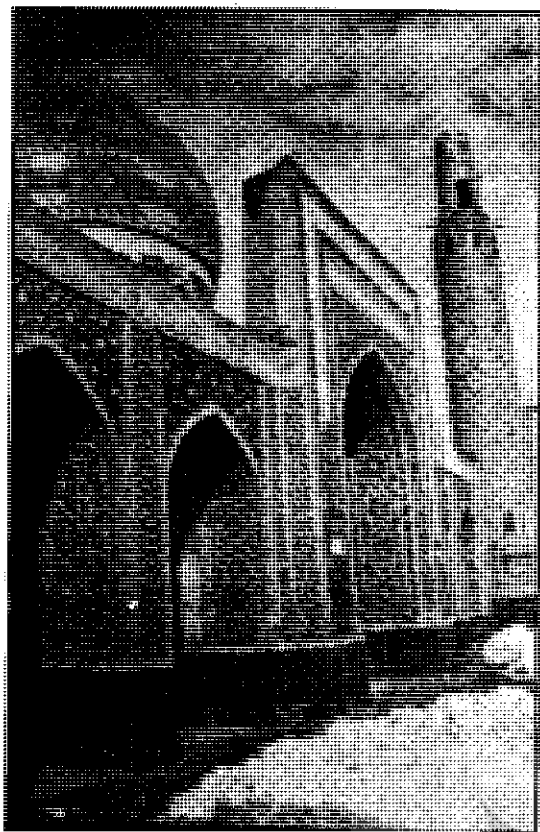
نمای بیرونی مقبره و محیط اطراف، اولجاتیو، سلطانیه زنجان، قرن هشتم (ایلیخان مغول).

مدرسه غیاثیه خرگرد خواف یکی از بناهای قرن نهم زمان شاهرخ می باشد با مطالعه صحن حیاط مدرسه غیاثیه که زمانی مهد تعلیم و تعلم بوده است می توان به عنوان اسنادی تاریخی به تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و بالاخص هنری از جمله کتیبه نگاری و مفاهیم کتیبه های آن عصر پی برد. در فضای داخلی مدرسه غیاثیه، فرسایش و نابودی تزئینات داخلی قابل شهود است. در مقایسه با مسجد گوهرشاد مشهد مربوط به همان قرن نهم که با توجه به اصلاحات و ترمیم هایی که در این مسجد صورت گرفته همچنان با عظمت و شکوه پابرجاست، تزئینات فضای داخلی مدرسه غیاثیه بدون هیچ توجه خاصی رو به فرسایش است و با فرسایش و سایش تدریجی خود حلقه ارتباطی را در جهت مطالعات و تحقیقات هنری، فرهنگی این عصر از بین می برد.

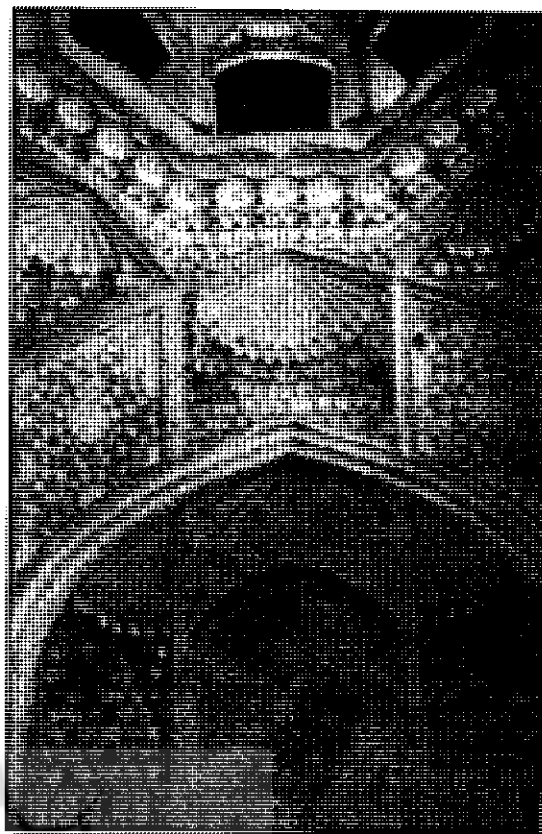
مسجد جامع اردستان نیز در زمره نمونه های فرسایش یافته می باشد. گرچه گنبد اصلی و دیواره های این مسجد که متعلق به دوران قبل از سلاجقه است هنوز پابرجا و باقی است ولی بناهای فرسایش یافته و غیرمسکونی اطراف بنا به تدریج موجبات فرسایش مسجد را فراهم می آورد.

داشت که در رشته های هنری خویش در جهت ترمیم، کاوش و حفظ ارزشهای باستانی کشور به مطالعه بپردازند. تقسیم بندی قسمتهای مختلف این شهر باستانی به پروژه های گوناگون دانشجویی و بهادادن آموزشی و حمایت های دانشگاهی از راه حل های پیشنهادی است.

سردر ورودی مسجد کیود تبریز که سطوح آن روبه فرسایش است یکی از مساجد مهم تاریخی شهر تبریز بشمار می رود. اگرچه هنوز تزئینات گوناگون خارق العاده اش برای بررسی و کاوش و مطالعه موجود است و پروژه ترمیم و بازسازی در مسجد در جریان است، اما دقت و توجه خاص محققان و مسئولین دلسوز را در این رابطه می طلبد. مسجد کیود تبریز مربوط به قرن نهم که به دستور جهانشاه قراقویونلو از طوایف ترکمنی ساخته شده است دارای نقوش و اسلیمی هایی گلدار و کتیبه هایی به رنگ سفید یا طلایی در مقابل زمینه های سبز یا آبی لاجوردی است. صحن حیاط مسجد کیود تبریز نیز دارای تزئینات کاشی است که البته در حال فروریزی است. در اینجا شاهد فرسایش تدریجی خطوط، رنگها، کاشیها و ساعتها کار و زحمت هنرمندان آن عصر هستیم.



«نمای بیرونی، سردر، مناره و گنبد»
مقبره غیاث‌الدین، مشهد، قرن نهم.



«فضای داخلی، سقف و دیوارها»
مدرسه غیاثیه خرگرد، خواف، قرن نهم.

همان کاروانسرای جالب و زیبای مادر شاه سابق است و حتی تا قرن نوزده با همین نام مورد استفاده قرار می‌گرفت از جمله نمونه‌های قابل استناد در این راستا می‌باشد. این استفاده زیبا و بجا نشانه زنده نگه داشتن و اهمیت دادن به ابنیه باستانی و تاریخی این مرز و بوم و استفاده از دستاوردهای پیشینیان و توجه به سرفرازی فرهنگ و هنر این ملت است. در مقابل، کاروانسرای «گز» است که در زمره کاروانسراهای تخریب شده بر اثر بلایا و حوادث تاریخی و طبیعی می‌باشد. اگرچه می‌توان با بازسازی به آن رونقی دوباره بخشید اما متأسفانه حوادث طبیعی و شرایط محیطی، کار فرسایش تدریجی آن را سالهاست که آغاز کرده‌اند. بقایای کاروانسرای «گز» به روشنی از نقشه و ساختمان استاندارد مشخص آن سخن می‌گویند. حیاط بوسیله دروازه‌ای در قسمت راست به بیرون راه پیدا می‌کند. دوردیف از اتاقهای درونی بوسیله طاقهایی پوشیده شده، اصطبل‌ها در اطراف و برجها در گوشه قرار گرفته و مستقیماً با اتاقهای نشیمن مرتبط نبودند. بطور

بنابراین اهمیت شرایط محیطی یک آثار باستانی از نکاتی است که می‌بایست مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. مسجد جامع ورامین که متعلق به قرن هشتم می‌باشد دارای چهار ایوانه (صحن) زیبا با گنبد عظیم و بزرگش است. این مسجد تنها بنايي است که تماماً در زمان مغول کار شده است. مجاورت این مسجد با زمین کشاورزی و دوربودن آن از آبادی و آبادانی یکی از علل فرسایش و تخریب آن می‌باشد. نه تنها می‌توان با ترمیم این اماکن در حال تخریب آنها را زنده کرد و به جریان انداخت بلکه از نقشه اصولی و حساب شده‌اشان جهت ساخت اماکن بعدی استفاده کرد. بنابراین می‌توان تصریح نمود که شرایط محیطی اطراف بنا تاثیر بسیار مهمی در فرسایش یا ایستایی آن خواهد داشت.

کاروانسرا هم از موارد دیگر قابل بحث است که می‌توان از نقشه‌های قدیمی در حال تخریب طرح کاروانسرای جدیدی را ریخت و روح زندگی و طراوت و شادابی و سنت‌های قدیم زندگی را دوباره زنده کرد. هتل شاه عباس اصفهان که

کلی می‌توان اینگونه اظهار داشت که کاروانسراها یکی از ابنیه‌های مهم و در زمره کارآمدترین بناهای قدیمی به شمار می‌رود. کمتر شهر قدیمی و باسابقه را می‌توان نام برد که تا نیم قرن پیش در آن، مجموعه‌ای وسیعی از کاروانسراها، سراها، تیمچه‌ها، تیم‌ها وجود نداشت ولی با نقشه‌های جدید شهری و احداث اماکن مدرن بیشتر این مجموعه‌ها از هم تفکیک شده و لطمه‌های شدیدی به آنها وارد آمده است. با ترمیم کاروانسراها و با استفاده از موقعیت خوب این سراها که معمولاً در کنار باغها و جویبارها و مناظر طبیعی زیبا بوده است و رمزراه یافتن به راه و روش جلوگیری از تخریب و فرسایش اماکن باستانی را بازگو می‌کند می‌توان به گونه‌ای موفق به عنوان مرکز اصلی داد و ستدها از آنها بهره‌برداری کرد و بسیاری از این مجموعه‌ها با توجه به فضای جالب معماری دلپذیرشان ارزش آن را دارند تا همانند بازارچه‌های مختلفی چون اصفهان و شیراز مورد بهره‌برداری قرار گرفته (۲) و یا با گسترش جنگلهای طبیعی و ایجاد مناظر زیبا به مراکز و مناطق تفریحی و تفرجگاهی تبدیل شوند و جمعیت‌ها را در روزهای تعطیل به سمت خود بکشانند تا اولاً از این طریق از جمعیت و آلودگی‌های شهری ناشی از جمعیت

زیاد و بالطبع آلودگیهای محیط زیستی کاست و هم از نظر اقتصادی و ایجاد روابط اجتماعی برای بومی‌های آن مناطق، منفعت‌هایی را به‌مراه آورد. از جمله منافعی که می‌توان به آن اشاره کرد جذب نیروی کار جوان و بالطبع جلوگیری از مهاجرت آنها به شهرهاست و از جهت دیگر دست جوانان را با احیای مکان‌های تاریخی پیوند می‌دهد. همانطور که در ابتدا اشاره کردیم گاهی اوقات عوامل تخریب اماکن باستانی مردمی هستند یعنی عامه مردم در تخریب اماکن باستانی دست دارند. از آنجائیکه مردم شناخت درستی از هویت ملی و فرهنگی خود ندارند نسبت به حفظ میراث فرهنگی و تاریخی بی‌توجه هستند و بالطبع بافت‌های قدیم اماکن تاریخی نه تنها دچار فرسایش تدریجی است بلکه در اغلب موارد همین بومی‌های محل، در فرسایش و تخریب آن سهیم هستند. در میان نمونه‌هایی که دستخوش تخریب و فرسایش از نوع عوامل انسانی است می‌توان به جیل سنگ یا کوه سنگ کرمان اشاره داشت که یکی از عظیم‌ترین بناهای جنوب ایران و متعلق به اواخر قرن ششم می‌باشد که بدون توجه به عظمت و موقعیت مکانی در کنار دهکده‌ای قرار گرفته و در انتظار مردم بومی در حال تخریب و فرسایش است.

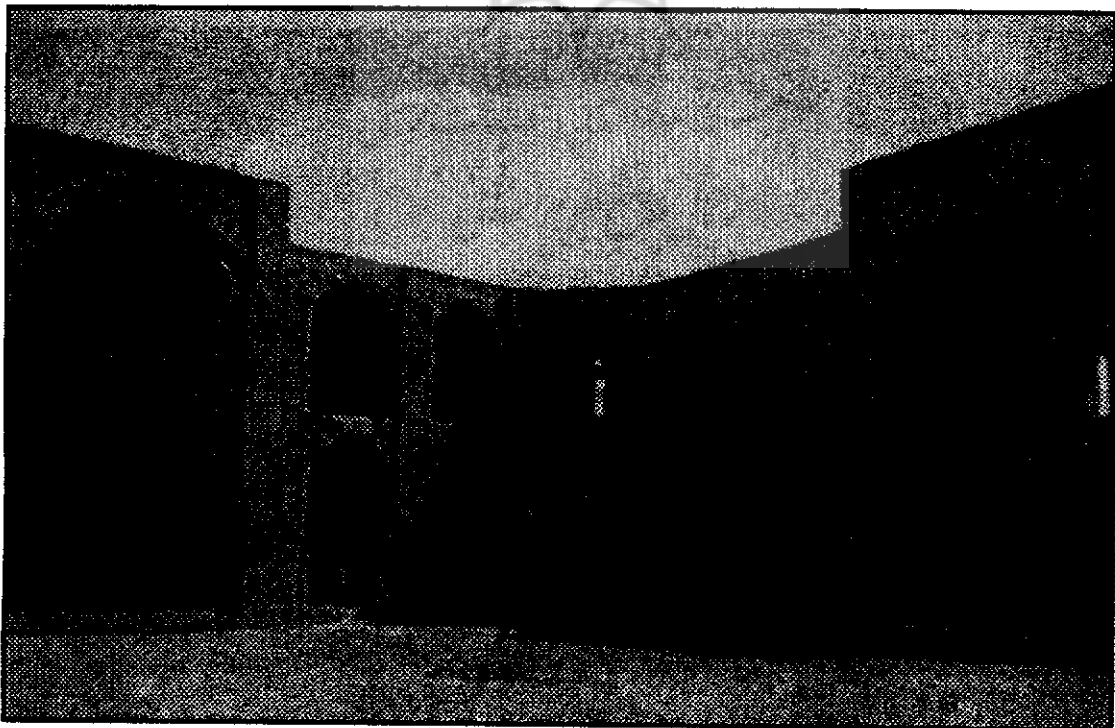
نمایی از کتبد و محیط اطرافه، مسجد جامع، اردستان، قرن پنجم / ششم.

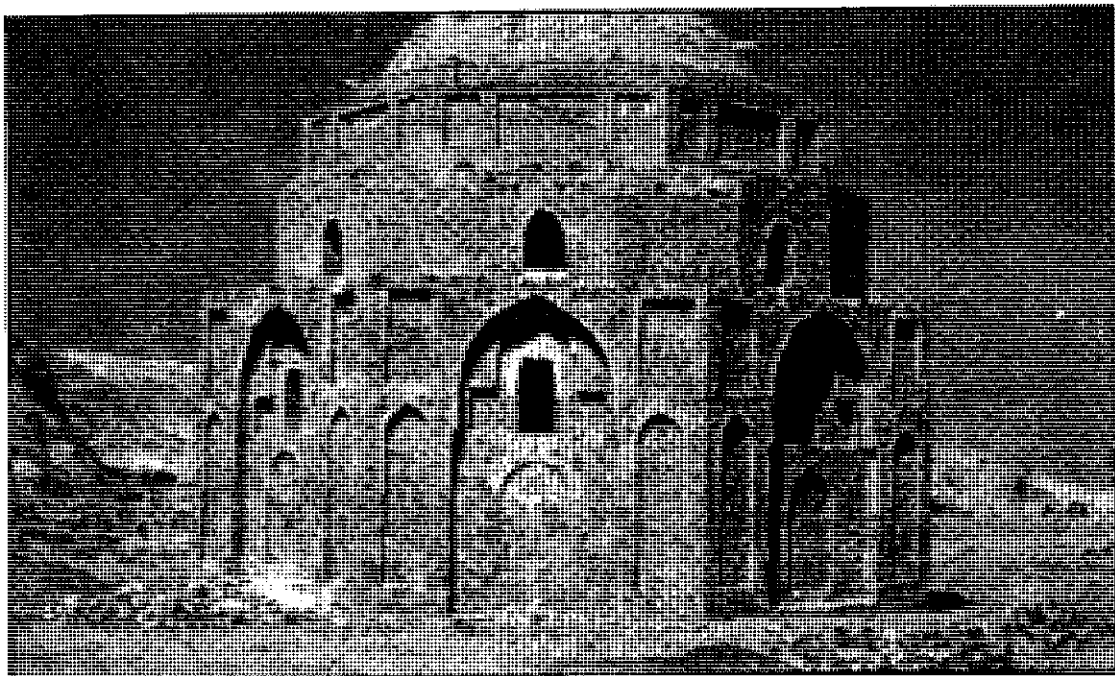


تاریخی است. مقبره امامزاده جعفر، یکی از انساب امام پنجم، موجود در اصفهان یکی از نمونه‌های ابنیه ایلخانیان است که دارای نقشه هشت ضلعی است و هفت متر ارتفاع دارد در محوطه‌ای قرار دارد که بصورت بی‌رویه و بدون استاندارد دیواری به آن اتصال یافته است. گرچه ابهت و زیبایی خاص خودش را دارد اما قرار گرفتن بنا در گوشه‌ای از محوطه و الحاق نابجای یک دیوار به آن مانع خودنمایی کامل بنا در یک شرایط محیطی مناسب است. قلعه کرشاهی نیز که یکی از قدیمی‌ترین و مستحکم‌ترین قلعه‌های کشور واقع در جنوب شرقی شهرستان آران و بیدگل و در فاصله ۴۵ کیلومتری ابوزیدآباد می‌باشد، مدت چهارده سال پایگاه معروفترین یاغی اواخر دوره قاجار «نایب حسین کاشی و پسرش ماشاء خان سردار کاشی» بوده است. این دژ که تماماً از گل و خشت خام ساخته شده است نقشه‌ای مستطیل شکل دارد و برخوردار از هشت برج دیده‌بانی است. متأسفانه با حفاریهای غیرمجاز توسط قاچاقچیان آثار عتیقه، خسارات قابل توجهی به پایه‌های قلعه وارد آورده است. (۲) این نوع از تخریب از گونه عوامل فرسایش انسانی است که انسانها با مقاصد مادی بدون توجه به موقعیت مهم یک اثر تاریخی دست به تخریب بنا زده‌اند.

صحن و نمای شمال شرقی، مدرسه غیاثیه خرگرد، خواب، قرن نهم.

مناره مسجد جامع ساوه نیز از بهترین مناره‌های قرون پنجم / ششم است که دارای الگوها و طرحهای آجری ظریفی می‌باشد و کتیبه‌ها به صورت نواری سطح مناره را پوشانده‌اند. این مناره عظیم که در کنار آن زندگی عادی در جریان است مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته و از ساختمان اصلی مسجد که مدت‌هاست از بین رفته، جدا مانده است. این مناره در مقایسه با بناهای عظیمی چون مسجد جامع اصفهان، گلپایگان، مسجد تاریکخانه و چهل دختران دامغان که بنابه قول معروف آنها نیز از دستاوردهای هنرمندان قرون پنجم / ششم بوده و به قوت و عظمت خود باقی مانده‌اند، مورد فرسایش طبیعی و انسانی قرار گرفته است. مناره باغ قزخانه اصفهان احتمالاً یکی از جفت مناره‌ای است که در ساخت یک بنای تاریخی بکار رفته است. نوع تزئینات، رنگها و خطوط بکار رفته در آن که شبیه تزئینات بکار رفته در بناهای شهرهای سمرقند و هرات دوره تیموریان است ابهت و زیبایی خودش را از دست نداده است ولی اضافات الحاقی به این مناره از عظمت و مورد توجه بودن آن کاسته است. ساخت و سازهای بی‌رویه و بدون استاندارد در اطراف این اسناد تاریخی، نشان از نبود سیاست مشخص و با برنامه در جهت حفظ و حراست از این ابنیه





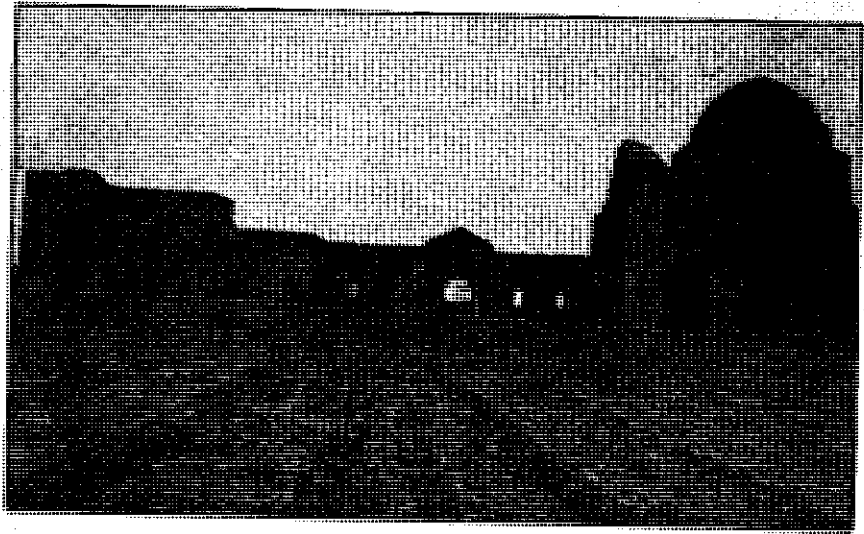
خمای شش ضلعی و گنبد، جبل سنگ، کرمان، احتمالاً اوایل قرن ششم.

شناساندن اهمیت هنری و تاریخی این اماکن به مردم از طریق تهیه فیلم‌ها و برنامه‌های خاص فرهنگی بقولی پیوند با موجودیت تاریخی این اماکن می‌باشد و سهم اساسی در بازشناسی این آثار خواهد داشت. پس از سیری کوتاه به گوشه‌ای از تعداد بی‌شمار اماکن در حال تخریب بجاست که توجهی هم به بناهای باشکوه و پابرجا معطوف داریم تا از دیدن عظمت و شکوه و زیبایی آنها زیان به تحسین بگشاییم و به خاطر بیاوریم که اماکن در حال تخریب یا تخریب شده زمانی با همین شکوه و عظمت و زیبایی پابرجا بوده‌اند. مقبره غیاث‌الدین در مشهد از بناهای قرن نهم است. غیاث‌الدین کسی بود که مدرسه غیاثیه خرگرد خواف را بنا نهاد. تزئینات این مقبره مشابه تزئینات مدرسه گوهرشاد در مشهد می‌باشد اگرچه مدرسه غیاثیه در حال از بین رفتن است ولی شکوه و زیبایی این مقبره هنوز باقی است و همگان را از دیدنش به تحسین وامی‌دارد. مدرسه چهارباغ از مدارس مهم زمان صفویان یعنی قرن یازدهم می‌باشد. استفاده از کاشی هفت رنگ با زمینه آبی لاجوردی که انعکاس دهنده رنگ آبی آسمانی است از ویژگی‌های این بناست. شکوه و زیبایی این بنا که هم‌اکنون نیز به عنوان مدارس علوم دینی مورد استفاده اهل فن می‌باشد در نگاه

مورد دیگر که هر دو عوامل طبیعی و انسانی در فرسایش و تخریب آن دخیل بوده‌اند، سلطانیه، مقبره اولجایتیو می‌باشد که مربوط به دوران مغول ایلخانی و نمونه اقتدار شهری در میان شهرهای بزرگی چون بغداد و مصر بوده است. اما متأسفانه بیشتر شکوه و اقتدار آن از بین رفته است. اولجایتیو رهبر مغولی دودمان ایلخانیان که در سالهای ۷۱۶ تا ۷۰۳ بر ایران حکومت می‌کرد دهکده کوچک سلطانیه را به شهر قابل توجه و مشهوری تبدیل کرد. اگرچه کاشی‌های لعاب خورده چهار مناره اطراف مقبره سلطانیه و گنبد آن و ایجاد محلات فقیرنشین در اطراف این بناها از عوامل فروریخته است اما همچنان اقتدار و قدرت اولجایتیو را بازگو می‌کند.

استفاده نابجای مردم از ابنیه و نوع نگرش بومی آنها نسبت به این اماکن و همینطور تخریب این آثار باستانی است. مرمت هر ساله و دور نگه داشتن جمعیت بومی محل از این مناطق و جلوگیری سوءاستفاده سودجویان از دیوارها و اتاقهای بنا و همینطور جلوگیری از فرسایش آن از طریق ایجاد آتش، دزدی و یا رفت و آمدهای نابجا و بی‌دلیل از مواردی است که می‌توان با عمل به آن به حفظ این آثار پرداخت و از روند تخریب آنها جلوگیری کرد. جذب توریست‌ها و

«نمای خارجی، گنبد
و دیوارها و فضای اطراف»،
مسجد جامع، ورامین،
قرن هشتم
(ایلیخان ملول).



«نمای بیرونی دیوارها،
طاق ها و فضای اطراف»،
کاروانسرای گز،
تاریخ نامشخص

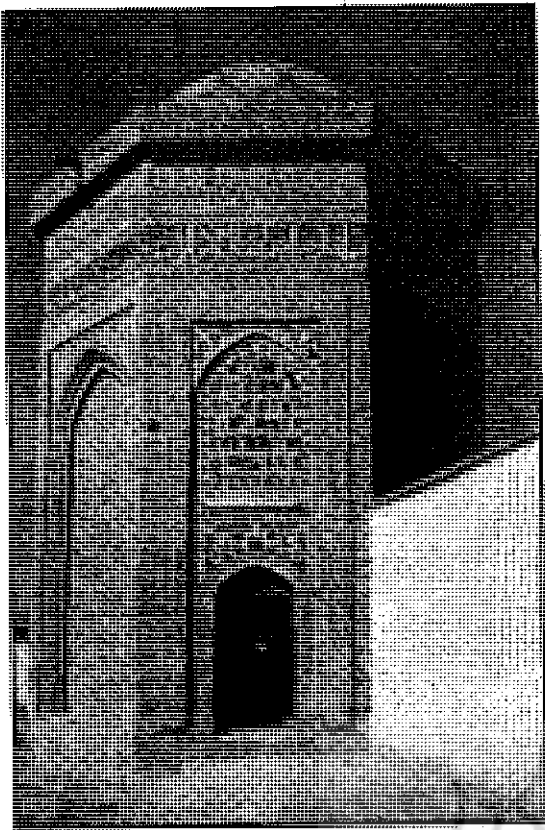


هستند به تصمیمات عاقلانه تری دست یابند. پایداری و حفاظت از این منابع می باید در مذهب و فلسفه ریشه داشته باشد و هرگونه تغییری می باید از انسانها شروع گردد. زیرا ارتباط با محیطش، تحت تاثیر نگرش اوست و هرگونه تغییر در نگرش او، مسئولیت و نحوه بهره برداری از این منابع را تغییر می دهد و در مناطق دارای آثار باستانی بهره برداری صحیح از آنها، به نگرش بومی های محل وابسته است. این انسانها هستند که سرانجام کلیه توصیه های فنی را بنا بر چگونگی افکار خویش تفسیر و تعبیر نموده و ممکن است آنها را بکار برند و یا طرد نمایند.

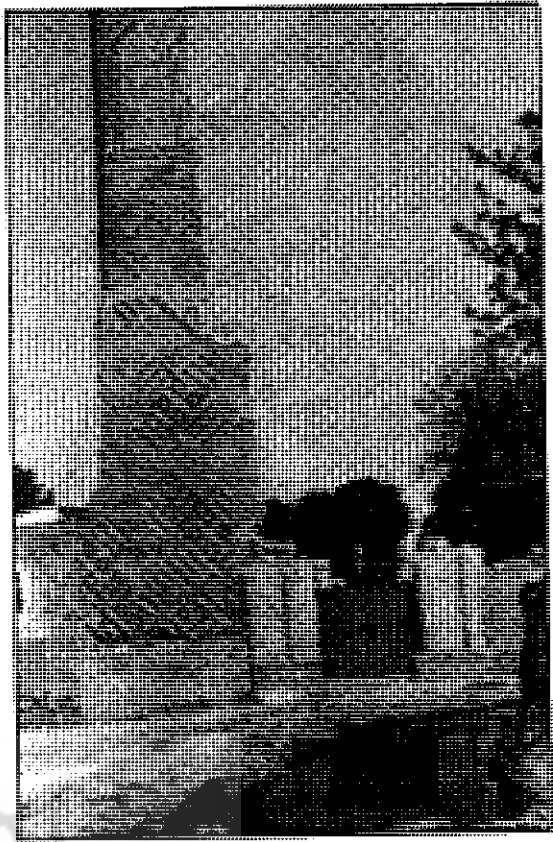
نکات زیر می باید مورد توجه قرار گیرد تا از محیط زیست آلوده به محیط زیستی پاک و تمیز و بدون آلودگی حرکت کرد و به حفظ آثار باستانی

نخستین قابل مشاهده است و این پیام را در ذهن تداعی می کند که دستاوردهای هنری، تزئینی اماکن گذشتگان ما، چراغ فراروی تکامل هنری آینده اماکن و ابنیه ها است.

تردیدی نیست که از لحاظ نحوه استفاده به اماکن باستانی توجهی نگردیده است. آنچه در رابطه بین انسانها و محیط اطرافش حائز اهمیت است حفاظت منابع است. انسان به عنوان مهمترین عامل در حفاظت از منابع باید مورد توجه قرار گیرد، لذا به منظور حرکت از نگرش فعلی به نگرش جدید که با تاکید بر جنبه های اجتماعی، تاریخی، محیط زیستی، هنری و مذهبی نحوه حفاظت از این منابع تاریخی و هنری را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد، لازم و ضروری است تا انسانهایی که در ارتباط مستقیم با این منابع



نمای خارجی قلعه کرشاهی، جنوب شرقی شهرستان آران و بیدگل، قاجار.



نمایی از مناره و شرایط محیطی اش، باغ قزخانه، اصفهان، احتمالاً قرن هشتم - نهم.

○ لیست مراجع:

- ۱- عزیزپور پیرسرای، کامران، «غبار فراموشی بر پیکر کهن ترین دژ نظامی کیلان»، روزنامه همشهری، سال ششم، شماره ۱۶۸۶، شانزدهم آبان ۱۳۷۷.
- ۲- ورجاوند، پرویز، «بیش از این بافت های قدیم شهرها را ویران نکنیم»، معماری ایران، گرده آورنده: آسیه جوادی، تهران، انتشارات مجرد، ۱۳۶۲، صفحات ۳۱۸-۳۱۳.
- ۳- میراث فرهنگی، «دژی تسخیرناپذیر از خشت خام در کویر کاشان»، روزنامه همشهری، سال هفتم، شماره ۱۸۲۷، اردیبهشت ۱۳۷۸.
- 4- Hutt Antony and Leonard Harrow, Islamic Architecture Iran 1, London, Scorpion Publications Limited, 1977
- 5- Michell George, Editor, Architecture of the Islamic World, London, Thames and Hudson, 1978.

○ پاورقی ها:

- ۱- کامران عزیزپور پیرسرای، «غبار فراموشی بر پیکر کهن ترین دژ نظامی کیلان»، روزنامه همشهری، سال ششم، شماره ۱۶۸۶، شانزدهم آبان ۱۳۷۷.
- ۲- پرویز ورجاوند، «بیش از این بافت های قدیم شهرها را ویران نکنیم»، معماری ایران، گرده آورنده: آسیه جوادی، تهران، انتشارات مجرد، ۱۳۶۲، صفحات ۳۱۸-۳۱۳.
- ۳- اداره میراث فرهنگی، «دژی تسخیرناپذیر از خشت خام در کویر کاشان»، روزنامه همشهری، سال هفتم، شماره ۱۸۲۷، اردیبهشت ۱۳۷۸.

خود از این طریق نائل آمد:

- ۱- از طریق وسائل ارتباط جمعی بویژه رادیو و تلویزیون، برای حفاظت از این منابع باستانی تلاش کرد و به دلایل وجود فرسایش این اماکن و راههای جلوگیری از آن به نظرات کارشناسان و هنرمندان توجه نمود. جلب افکار عمومی به منظور حفظ آثار باستانی بدون درک کارشناسان و هنرمندان بومی این تلاش را بی ثمر می گذارد.
- ۲- وضع و اعمال قوانین نتوانسته است نظرات کارشناسان و هنرمندان بومی را منعکس کند. آنها باعث گردیده اند تا هنرمندان بومی و کارشناسان از اتخاذ تصمیمات جدی در حفظ آثار باستانی دوری نمایند. لذا لازم است تا تلقی سیاستمداران از اهمیت وجود هنرمندان در حفظ آثار باستانی مورد بازبینی قرار گیرد و همچنین پیرامون استفاده از مشوق ها و نظام اطلاع رسانی تجدید نظر شود. جای جای ایران عزیز، مهد تمدن، هنر و فرهنگ است. بیائیم با بازسازی و کاوش در مناطق آن به مشکلات محیط زیست فائق آییم.